

وحشت از تکرار تاریخ



یاسمن طاهریان

خبرنگار گروه
بین‌الملل

در بحبوحه تشدید تنش‌ها و بمباران‌های اسرائیل در لبنان که تاکنون منجر به کشته‌شدن صدها نفر شده، هزاران خانواده لبنانی از جنوب این کشور فرار کرده‌اند. وحشت آنها از این است که حملات هوایی اسرائیل تبعات بسیار بدتری داشته‌باشد: حمله زمینی به جنوب لبنان. منطق چنین اقدامی از نظر دولت اسرائیل این است که حمله زمینی بهترین گزینه برای عقب راندن مبارزان حزب‌الله به آن سوی رود لیطونی در نواحی مرکزی این کشور است. اسرائیل با این اقدام به هدف خود مبنی بر تأمین امنیت مرزهای شمالی و بازگشت ۶۰ هزار نفر از ساکنانی که مجبور به فرار از شمال اسرائیل شده بودند، می‌رسد. حمله زمینی و اشغال احتمالی جنوب لبنان حالا از یک گمانه‌زنی خطرناک، شکل واقعی‌تری به خود گرفته است. چنین اقدامی بی‌سابقه هم نبوده. سال ۱۹۸۲، در میانه جنگ داخلی لبنان، اسرائیل به این کشور هجوم آورد و بیروت را محاصره کرد. نتیجه برای تمام منطقه فاجعبار بود. این حمله منجر به مرگ هزاران غیرنظامی شد و اشغال لبنان، کشوری را که پیشتر منززل شده بود به سمت آشفتگی‌های اقتصادی و سیاسی ماندگاری سوق داد. در ادامه حزب‌الله، به‌عنوان گروهی شد که تا به امروز در مقابل اسرائیل ایستاده و متولد شد. حمله اسرائیل به لبنان در ژوئن ۱۹۸۲ همانند درگیری‌های امروز این دو ریشه در درگیری‌های اسرائیل و فلسطین داشته است. پیدایش اسرائیل در سال ۱۹۴۸ آوازی فلسطینیان و خشونت شدید علیه آنها را در پی داشت که به «کتب» به معنی فاجعه شناخته می‌شود. تا سال ۱۹۸۲، هفت سال از جنگ داخلی لبنان گذشته بود و خشونت بین مسیحیان لبنانی و مسلمانان فلسطینی و لبنانی شدت گرفته بود. در ۶ ژوئن ۱۹۸۲، آریل شارون، وزیر دفاع اسرائیل و رهبر آینده این کشور، «عملیات صلح برای الجلیل» را راه انداخت و به منظور حذف سازمان آزادی‌بخش فلسطین به لبنان حمله کرد. بیش از ۴۰ هزار سرباز اسرائیلی و صدها تانک از سه جهت وارد لبنان شدند: از طریق مرز زمینی به جنوب لبنان، از طریق دریا از ساحل صیدا، از طریق هوایی که نیروهای اسرائیلی دره بقاع، بیروت و اردوگاه پناهندگان فلسطینی را بمباران کردند. بیروت به مدت دو ماه تحت محاصره بود، آب و برق هم قطع شده بود. در پی بمباران‌های شدید و عدم دسترسی به نیازهای اولیه، حدوداً ۱۹ هزار نفر از نظامیان و غیرنظامیان لبنانی، سوری و فلسطینی کشته شدند که ۵ هزار پانصد نفر از آنها غیرنظامیان غرب بیروت بودند. مقامات لبنانی از آمریکا، فرانسه، ایتالیا و انگلستان درخواست کمک کردند. این کشورها نیروی حافظ صلح چندملیتی را تشکیل دادند که برای برقراری صلح در لبنان طراحی شده بود تا به نیروهای مسلح لبنانی کمک کند و مبارزان سازمان آزادی‌بخش فلسطین را به تونس منتقل کنند. تا آگوست ۱۹۸۲، این گروه چندملیتی توانست مبارزان سازمان آزادی‌بخش فلسطین را جابه‌جا کند و در نهایت این سازمان خروج خود از لبنان را آغاز کرد. با افزایش خشونت، این نهاد چندملیتی دوباره فراخوانده شد. پس از ترور بشیر جمیل، رئیس‌جمهور منتخب لبنان در ۱۴ سپتامبر ۱۹۸۲، شبه‌نظامیان فلائینت مسیحی به دو اردوگاه پناهندگان فلسطینی صبرا و شتیبلا حمله کردند و بیش از ۲ هزار غیرنظامی فلسطینی را کشتند. دولت اسرائیل «کمیته کاهان» را تشکیل داد تا درباره این کشتار تحقیق کند. نتیجه این تحقیقات نشان داد اسرائیل به‌طور غیرمستقیم به این کشتار مرتبط است. این تاریخچه‌ای که گفته شد به شرایط کنونی منطقه مرتبط است. حمله اسرائیل و تصرف لبنان، محاصره بیروت و کشتار پس از آن منجر به تولد حزب‌الله شد. تا زمان حمله حاسب به اسرائیل در هفتم اکتبر، امیدهایی وجود داشت که دهه‌ها خصومت بین لبنان و اسرائیل رو به بهبودی رود. در اکتبر ۲۰۲۲، لبنان و اسرائیل توافقنامه مرز دریایی با میانجی‌گری آمریکا را امضا کردند که معنای آن آغاز عادی‌سازی روابط بین دو کشوری بود که عملاً با یکدیگر می‌جنگیدند. اما شدت بحران انسانی در غزه و مجموعه‌ای از رخدادهایی که در لبنان اتفاق افتاد، چنین امیدهایی را از بین برد. وعده همبستگی حزب‌الله با حماس باعث حملات تلافی‌جویانه دو طرف شد که از سال گذشته از سوی اسرائیل شدت گرفته است. اقدام بعدی در این درگیری شدت‌گرفته‌ی مرگبار می‌تواند حمله زمینی باشد. نام در سال ۱۹۸۲ چنین عملیاتی نتایج فاجعه‌باری داشت و دهه‌ها خصومت در مرز اسرائیل و لبنان را رقم زد؛ چنین حمله‌ای امروز هم قطعاً می‌تواند نتایج مشابهی داشته‌باشد؛ و به‌ویژه برای مردم لبنان.

نگاه تحلیلیگر / ۲

رحمن قهرمان پور تحلیل‌گر مسائل خاورمیانه در گفت‌وگو با «هم میهن»:

ایران در استراتژی‌های منطقه‌ای خود تجدید نظر می‌کند

گرفته خواهد شد.

شما در جواب‌ها به دو سوال قبلی، دو نکته را اشاره کردید. اول اینکه اسرائیل برای نخستین بار است که یک جنگ بلندمدت را پشت سر می‌گذارد و در جواب سوال دوم هم گفتید که ایران ممکن است صبر کند و بعداً دوباره واکنش خود را به تدریج انجام دهد. این موضوع یک عدم تقارن ایجاد می‌کند. در حالی که یک طرف به شدت نیروهای تهاجمی خود را به کار می‌گیرد و طرف مقابل وارد عمل نمی‌شود. فکر می‌کنید این عدم تقارن در استفاده از نیروهای تهاجمی چه تاثیری بر موازنه قوا در منطقه بر جای بگذارد؟

بحث موازنه قوا یک مبحث مفصلی است. برخی از دوستان خیلی ساده‌انگارانه و تقلیل‌گرایانه به این موضوع نگاه می‌کنند. موازنه قوا محدود به حوزه نظامی نیست. زمانی که از موازنه قدرت حرف می‌زنیم، نخست باید قدرت را تعریف کنیم. قدرت که یک بُعد ندارد، طبیعتاً هر طرفی قصد ایجاد موازنه داشته‌باشد در کنار قدرت نظامی به قدرت اقتصادی، قدرت سیاسی، قدرت اطلاعاتی، فناوری و ابعاد مختلف قدرت نیاز دارد. همه اینها در کنار یکدیگر موازنه ایجاد می‌کند. اینگونه نیست که اگر طرفی بخواهد موازنه ایجاد کند، فقط در یک بُعد از توانایی خودش که مزیت نسبی است، تمرکز کند و انتظار داشته‌باشد که طرف مقابل تهدیدش را معتبر بداند. این مسئله مهمی است. رکن اصلی بازدارندگی، وجود یک تهدید معتبر است. اعتبار این تهدید از کجا می‌آید؟ این اعتبار فقط ناشی از اظهارات علنی و رسانه‌ای نیست، طرف مقابل ابزارهای مختلف، نهادهای متنوع امنیتی، اطلاعاتی، جاسوسی و نظامی دارد. این نهادها هستند که تشخیص می‌دهند تهدید دشمن معتبر است یا نه. ممکن است که شما احساس کنید تهدیدی که کرده‌اید معتبر است، اما مهم ارزیابی طرف مقابل است. به همین دلیل در بازدارندگی همواره بحث اطلاعات غیرمعتبر (Misinformation) مطرح است. مثلاً طرف مقابل اطلاعات غلط بدهد، تله اطلاعاتی بگذارد و خود را ضعیف‌تر نشان بدهد، یعنی به غلط خود را ضعیف‌تر از آنچه هست نشان بدهد و یک طرف در دام شناختی گرفتار شود و ارزیابی‌اش از توانایی دشمن، کمتر یا بیشتر از واقعیت باشد. بازدارندگی فقط اینگونه نیست که وقتی دشمن ۱۰ نفر را کشت ما ۱۱ نفر را بکشیم که بازدارندگی ایجاد شود. هر طرف به صحنه نگاه می‌کند، توانایی‌های خود را ارزیابی می‌کند؛ اقتصاد، جامعه، توانمندی‌های نهادهای امنیتی و عرصه بین‌المللی هستند که در مجموع قدرت یک کشور را می‌سازند. اینگونه نیست که بتوانیم بگوییم قدرت یک کشور انحصاراً در یک حوزه مانند حوزه اطلاعات و امنیت است و دیگر حوزه‌ها تاثیرگذار نیست. هیچ طرفی نمی‌تواند ضعف‌های اطلاعاتی و اقتصادی را صرفاً با توانمندی نظامی جبران کند. وقتی در توصیف جنگ سرد از توازن قوا بین آمریکا و شوروی صحبت می‌شود، فرض بر این است که در این دوران هیچ یک از دو طرف مشکل عمده اقتصادی یا اجتماعی ندارند و با طیب خاطر روی قدرت نظامی کار می‌کنند.

من نمی‌گویم تساوی و برابری در قوای طرف‌ها در منطقه وجود دارد، سوال من مشخصاً این بود که اسرائیل در حال حاضر از تمامی منابع قدرت خودش، از جمله اقتصادی، نظامی، امنیتی، اطلاعاتی، دیپلماتیک و حتی حیثیت بین‌المللی مایه می‌گذارد و صرف این جنگ می‌کند. این مصرف کردن مداوم منابع قدرت چه تاثیر بلندمدتی بر منطقه بر جای می‌گذارد؟

تردیدی وجود ندارد که تبعات عمیقی خواهد داشت. اما اینکه این تاثیرات دقیقاً چه چیز است، الان نمی‌شود به صورت دقیق تمییز داد، چراکه ممکن است در همین روزها شاهد تحولات جدیدی باشیم. متأسفانه نظام بین‌الملل هم واکنشی نشان نمی‌دهد. اسرائیل در طول نزدیک به یک سال گذشته افزون بر ۴۱ هزار نفر از شهروندان غزه را به طور وحشیانه کشته است و در سراسر جهان جوامع به این اقدامات اعتراض کرده‌اند. اما جامعه جهانی و بلوک قدرت نظامی‌های لیبرال دموکراسی در نظام بین‌الملل هم جز برخی اعتراض‌های منفرد، واکنش چندانی نشان نداده است. وقتی توان در طرف را ارزیابی می‌کنیم، باید در نظر بگیریم که اسرائیل یکی از محدودیت‌هایی را که دیگر کشورها با آن مواجه هستند، یعنی واکنش جامعه بین‌المللی، در مقابل خود نمی‌بیند. در عملیات وعده صادق هم مشاهده کردیم که حتی برخی کشورهای منطقه، از جمله اردن و حتی گفته می‌شود عربستان سعودی هم به آمریکا و به تبع آن اسرائیل در رهگیری و انهدام موشک‌ها و پهپادهای ایرانی کمک کردند. نهایتاً اینکه هر چند اسرائیل از منابع خود استفاده می‌کند، اما در عین حال حال گویسی محدودیتی هم از نظر جامعه جهانی در مقابلش ایجاد نمی‌شود و در عین حال هر چه از منابع خود استفاده می‌کند، منابع جدیدی برای او تأمین می‌شود.

رحمن قهرمان پور، تحلیل‌گر مسائل خاورمیانه معتقد است که تحولات اخیر در لبنان در امتداد جنگ ۱۱ ماهه در غزه، بر محاسبات ایران در خصوص تحولات منطقه اثر جدی بر جای خواهد گذاشت. این تحلیل‌گر مسائل منطقه می‌گوید که تجربه جنگ ۲۰۰۶ لبنان نشان داده است که ایران مدتی صبر می‌کند و بعد از آن به تدریج تلاش می‌کند تا قدرت منطقه‌ای خود را بازسازی کند. در ادامه متن کامل گفت‌وگو «هم میهن» را با رحمن قهرمان پور، تحلیل‌گر مسائل خاورمیانه مطالعه می‌کنید.

آیا حمله گسترده اسرائیل به جنوب لبنان و آسیب دیدن ارکان حزب‌الله، تاثیری بر محاسبات ایران در خصوص بحران جاری در خاورمیانه بر جای خواهد گذاشت؟

تردیدتی وجود ندارد که این رویدادها تاثیرگذار است. اساساً سیاست خارجی بر مبنای چنین محاسباتی تعیین می‌شود. هر اتفاقی که رخ می‌دهد و واکنش‌هایی که بازیگران نشان می‌دهند در لایه‌های مختلف از لحاظ نظامی، اطلاعاتی، فناوری و سیاسی ارزیابی می‌شود و طبیعتاً سیاست‌گذاران در محاسبات خودشان این متغیرها را در نظر می‌گیرند. اگر به جنگ ۲۳ روزه لبنان در سال ۲۰۰۶ بازگردیم، آن جنگ هم تاثیر خود را بر رویکرد حزب‌الله و رویکرد اسرائیل بر جای گذاشت. رویداد ۷ اکتبر هم تاثیر خود را گذاشت و قطعاً تحولات اخیر لبنان هم تاثیرات خود را خواهد داشت.

جنگ ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تا به امروز استمرار پیدا کرده است و تقریباً طولانی‌ترین جنگ پس از جنگ ایران و عراق در منطقه است که در دوران معاصر رخ داده است. استراتژی نظامی اسرائیل از ۱۹۶۷ تا جنگ یوم کپور تا درگیری‌ها لبنان، همواره مبتنی بر جنگ‌های کوتاه‌مدت و رعدآسا (Blitzkrieg) بود، اما این نخستین بار است که اسرائیل چنین جنگ مستمر و طولانی مدتی را تجربه می‌کند. این موضوع برای استراتژیست‌های نظامی یک متغیر بسیار مهم است. تا به امروز فرض بر این بود که ارتش و جامعه اسرائیل توانایی یک جنگ طولانی مدت را ندارد و این مسئله بر محاسبات بازیگران منطقه تاثیرگذار خواهد بود.

فکر می‌کنید این اثر به طور خاص در مورد ایران چه باشد؟ فکر می‌کنید چه گزینه‌هایی در ادامه برای ایران محتمل است؟

هر گزینه و توصیه و تجویزی مبتنی بر توصیف و سپس تحلیل است. گزینه‌ها جدای از امکانات، اختیارات، توانایی‌ها و محدودیت‌های یک بازیگر نیست. ممکن است در حالت آرمانی بازیگران بخواهند کارهایی را انجام دهند، ولی در میدان واقعیت، این امکانات، توانایی‌ها و مقدرات است که تعیین‌کننده گزینه‌های عملی هستند. اینکه این تحولات چه تاثیری بر ایران باقی می‌گذارد، باید این اثرات را بر اثرات کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت تقسیم کنیم. تجربه رفتار ایران در جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ نشان می‌دهد که ایران معمولاً در چنین مواقعی خویشتن‌داری می‌کند و بعد شروع به بازسازی یا احیای گروه‌های نیابتی خودش و بهبود قدرت منطقه‌ای خودش می‌کند. در جنگ ۲۰۰۶ هم مشاهده کردیم که به‌رغم ضرباتی که حزب‌الله به اسرائیل وارد کرد و ضرباتی که خورد، ایران صبر کرد که اوضاع عادی شود و پس از آن بازسازی خودش را شروع کرد. تردیدی وجود ندارد که هیچ وقت دو موقعیت کاملاً مشابه یکدیگر نیست و وضعیت کنونی با وضعیت سال ۲۰۰۶ متفاوت است.

به نظر من نخستین اثر این تحولات این است که ایران در نگاه خودش به مسائل منطقه‌ای تجدیدنظر خواهد کرد. اما اینکه دامنه و عمق این تجدیدنظر تا چه حدی خواهد بود، یک مسئله بسیار مهم و تعیین‌کننده است. از این واقعیت که ایران تجدیدنظری در راهبردها و دیدگاه خود داشته باشد، مهم‌تر این است که واقعیت‌های میدانی موجود چه امکاناتی را در اختیار ایران قرار می‌دهد. یک سیاست‌گذار و یک تصمیم‌گیر برای اینکه مسیر سیاست خارجی و تصمیم‌ها را تغییر دهد، راه ساده‌ای در پیش رو ندارد. فشار داخلی و تحولات بین‌المللی مسائل تاثیرگذاری هستند و اینکه اگر ایران سیاست خود را تغییر دهد، نتیجه آن و تبعات آن بر رفتار غرب با اسرائیل چگونه خواهد بود.

ایران در رویکرد خودش به مقاومت از تجربه یک سال گذشته استفاده خواهد کرد، اما اینکه شکل این بازنگری و تجدیدنظر یا احیای قدرت‌های نیابتی چگونه باشد، هنوز مشخص نیست و نمی‌توان پیش‌بینی کرد. در شرایطی که امروز بحران به صورت مستمر رخ می‌دهد، ارزیابی قطعی از آینده بسیار مشکل است، چراکه افراد درگیر احساسات هستند و نمی‌توان فرار از احساساتی اعم از نگرانی، خشم، ترس و اضطراب فضا را تحلیل کرد. برای اینکه بدانیم تحولات کنونی چه تاثیر بلندمدت و میان‌مدتی بر رفتار و رویکرد ایران بر جای می‌گذارد باید ببینیم ارزیابی مقام‌های سیاسی، نظامی، اطلاعاتی و امنیتی چیست و چه تصمیمی در مورد آینده



طرف‌های درگیر در بحران منطقه روزبه‌روز بلندتر می‌شود. ایران همچنان وعده می‌دهد که در زمان و مکانی که خودش انتخاب می‌کند واکنش به ترور اسماعیل هنیه، رهبر حماس را عملی خواهد کرد. اسرائیل به عملیات روز جمعه که باعث شهادت سید حسن نصرالله شد، عنوان «نظم جدید» داده است. اما مسیر زیادی تا رسیدن به یک نظم جدید در منطقه باقی مانده است. در حالی که در یازده ماه گذشته اسرائیل با استفاده از تمام توانایی‌های اطلاعاتی، سیاسی، دیپلماتیک و نظامی خود وارد نبرد با گروه‌های مسلح در غزه و لبنان شده است، هنوز طرف‌های دیگر منطقه‌ای از جمله ایران و حزب‌الله از ورود تمام‌عیار به جنگ خودداری می‌کنند. آنچه امروز در منطقه رخ می‌دهد چیزی جز وسیع‌تر شدن و گسترده‌تر شدن هرج و مرج جاری نیست. سکوت ادامه‌دار ایران و حزب‌الله لبنان باعث شده است که همچنان ارزیابی دقیقی از شکل موازنه قدرت نظامی در منطقه وجود نداشته‌باشد اما با ترور سید حسن نصرالله، امروز حزب‌الله لبنان در مقابل یک انتخاب تازه قرار گرفته است، آیا حزب‌الله تصمیم می‌گیرد که با تمام توان به این ترور پاسخ دهد یا همچنان با عملیات ایذایی مقطعی در حمایت از زندگنان غزه به اسرائیل اجازه می‌دهد تا منابع بیشتری را در جنگ هزینه کند.

دارد. فشار افکار عمومی زیاد است که از حزب‌الله می‌خواهند که تا چه زمانی قرار است موشک‌های حزب‌الله در انبار باقی بماند؟ چه زمانی قرار است از آنها استفاده شود؟ دیگر چه اتفاقی باید بیفتد که حزب‌الله به استفاده از موشک‌هایش قانع شود؟ صدها هزار نفر از شهروندان جنوب لبنان آواره شده‌اند. این آدم‌ها هستند که از حزب‌الله می‌خواهند که اسرائیل را بزنند و می‌گویند که ما مشکلی نداریم و پشت مقاومت خواهیم بود. مطالبه مردم لبنان و به‌خصوص شیعیان از حزب‌الله این است. من بعید می‌دانم که بودن یا نبودن فرماندهان درجه یک حزب‌الله تاثیری در اراده مقاومت داشته‌باشد و تصور می‌کنم که دیر یا زود، مقاومت لبنان به اسرائیل پاسخ خواهد داد. شکی نیست که درگیری گسترده با اسرائیل باعث می‌شود حزب‌الله خسارت‌های زیادی ببیند و شهادت‌های زیادی بدهد، اما بعید می‌دانم که این جنگ باعث شکست حزب‌الله شود؛ نتایج‌ها به آن نتیجه‌ای که می‌خواهند نمی‌رسد.

دولت لبنان تاکنون از مقاومت حمایت کرده است، فکر می‌کنید از این به بعد هم از مقاومت حمایت خواهد کرد و برای جلب حمایت بین‌المللی با هدف متوقف کردن ماشین جنگی اسرائیل تلاش می‌کند؟

دولت لبنان شبیه یک جلسه اضطراری برگزار کرد. دولت لبنان راهی جز حمایت از مردم لبنان ندارد. رئیس مجلس لبنان، نبیه بری هم فردی مردمی است، شیعه‌مذهب است و از مقاومت دفاع می‌کند. نبیه بری روز جمعه خیلی واضح بیان کرد که آتش بس به شمول پایان جنگ علیه لبنان و پایان جنگ علیه غزه خواهد بود و بدون آتش‌بس در هر دو جبهه جنگ پایان نمی‌گیرد. من فکر نمی‌کنم که دولت لبنان راه دیگری جز حمایت از مقاومت داشته‌باشد. حملات اسرائیل علیه مردم عادی و شهروندان غیرنظامی لبنان انجام می‌شود و خیلی از ساختمان‌هایی که هدف حملات هوایی قرار می‌گیرد، پایگاه‌های نظامی نیستند، بلکه ساختمان‌های مسکونی هستند و تعداد زیادی از شهروندان جنوب لبنان آواره شده‌اند. دولت لبنان غیر از دفاع از مردم و مقاومت، راه دیگری ندارد.

